

## یادداشت

تحلیل راهبردی روابط دوجانبه در پرتو  
توافقات های بلندمدت و تحولات ژئوپلیتیکی

## ایران و چین در عصر بازآرایی جهانی



بهمن اکبری

پژوهشگر مطالعات سیاسی-فرهنگی بین‌الملل

روابط ایران و چین در سال‌های اخیر به‌تدریج از همکاری‌های اقتصادی صرف فراتر رفته و در حال تبدیل‌شدن به یک شراکت راهبردی با ابعاد ژئوپلیتیکی، امنیتی و ساختاری است. امضای توافق‌نامه ۲۵ساله همکاری‌های جامع، عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای و مواضع همسو در برابر تهدیدات مشترک، گواهی بر تعمیق این روابط هستند. این مقاله، با تکیه بر گفت‌وگوهای رسمی، بیانیه‌های دیپلماتیک و تحولات منطقه‌ای، به تحلیل چشم‌انداز روابط ایران و چین در نظم جهانی در حال گذار می‌پردازد.

با افول نظم تک‌قطبی آمریکا-محور، جهان در حال ورود به مرحله‌ای از چندقطبی‌شدن با ائتلاف‌های نوظهور در آسیا، اوراسیا و جهان جنوب است. در این ساختار جدید، چین به‌عنوان قدرت اقتصادی و سیاسی در حال صعود و ایران به‌عنوان بازیگری منطقه‌ای با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی بالا، در مسیر تقویت همکاری‌های راهبردی گام برداشته‌اند. از «توافق‌نامه ۲۵ساله» تا هم‌گرایی در سازمان‌های بین‌المللی، نشانه‌هایی آشکار از گذار روابط ایران و چین به مرحله‌ای جدید از تعاملات چندجانبه دیده می‌شود.

## توافق ۲۵ساله؛ چارچوبی برای پیوند ساختاری

توافق جامع همکاری ۲۵ساله که در مارس ۲۰۲۱ به امضا رسید، نقشه راهی برای ارتقای روابط ایران و چین در حوزه‌های مختلف تلقی می‌شود. این سند شامل همکاری در زمینه‌های انرژی و صادرات نفت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کلان (بندری، ریلی و جاده‌ای)، همکاری نظامی و دفاعی (رزمایش‌های مشترک) و حمایت دیپلماتیک متقابل در نهادهای بین‌المللی است. این توافق در عین حال بخشی از پروژه کلان «کمربند-راه» چین است که ایران را به کریدوری کلیدی برای اتصال شرق آسیا به اروپا و مدیریتانه تبدیل می‌کند.

## سیاست خارجی ایران: از توازن‌گرایی تا هم‌راستایی ساختاری

رویکرد ایران در قبال چین از یک موازنه تاکتیکی در برابر غرب به یک مشارکت ساختاری با اهداف راهبردی ارتقا یافته است. سفرهای مکرر مقامات ایرانی به پکن و دعوت رئیس‌جمهور ایران به اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای، نشان از جدیت تهران در تعمیق پیوندها دارد. هم‌زمان چین نیز در نشست‌های بین‌المللی از مواضع ایران در برابر فشارهای غربی حمایت کرده و این هم‌راستایی، وجهه‌ای چندلایه به روابط دوجانبه بخشیده است.

## جایگاه ایران در نگاه چین؛ شریک منطقه‌ای یا گره ژئوپلیتیکی؟

از منظر پکن، ایران دارای سه اهمیت راهبردی است: موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز در اتصال شرق به غرب آسیا، ظرفیت موازنه‌سازی در برابر نفوذ نظامی آمریکا در خاورمیانه و جایگاه مذهبی و سیاسی مؤثر در جهان اسلام.

این مزیت‌ها ایران را به یک «گره کلیدی» در نقشه ژئوپلیتیک چین تبدیل کرده‌اند؛ به‌ویژه در چارچوب رقابت آمریکا-چین و نیاز پکن به شرکای پایدار خارج از مدار غرب.

## همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای؛ از عضویت تا کنشگری فعال

ایران با عضویت دائم در سازمان همکاری‌های شانگهای و تمایل به پیوستن به بریکس پلاس، حضور خود را در ساختارهای شرق‌محور تقویت کرده است. سفرهای رسمی دکتر پزشکیان به روسیه و چین و رازینی‌های صورت‌گرفته در حاشیه این نشست‌ها، گواهی بر رویکرد فعال ایران در بازآفرینی نظم منطقه‌ای و جهانی است. چین نیز ایران را به‌عنوان یک متحد مؤثر در ایجاد «چندجانبه‌گرایی متوازن» می‌بیند، در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا.

## بعد دفاعی و امنیتی؛ بازدارندگی از طریق هم‌پیمانی منطقه‌ای

همکاری نظامی ایران و چین در سال‌های اخیر گسترش یافته و شامل رزمایش‌های سه‌جانبه ایران-چین-روسیه در آب‌های آزاد، تبادل فناوری نظامی و دفاع سایبری، همکاری اطلاعاتی در برابر تهدیدات مشترک بوده و همچنین در سطح جنگ نرم و نبرد روایت‌ها، چین از مواضع ایران در برابر حملات رسانه‌ای و سیاسی غرب پشتیبانی کرده است.

## آزمون بحران‌ها؛ واکنش هم‌راستای پکن در برابر تهدیدات علیه ایران

در ماجرای تهاجم اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، موضع‌گیری سریع و قاطع چین نشان داد که روابط دوجانبه به مرحله‌ای از همسویی راهبردی رسیده است. چین برخلاف سیاست سنتی خود در بی‌طرفی، از ایران حمایت کرد که این رویکرد جدید، نشانه‌ای از درک مشترک دو کشور از تهدیدهای جهانی است.

جمع‌بندی و چشم‌انداز آینده روابط ایران و چین در حال گذار از سطح همکاری‌های اقتصادی به یک شراکت ژئوپلیتیکی چندلایه است. این تحول نه‌تنها به تقویت توان بازدارندگی ایران در سطح منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه جایگاه آن را در نظم جهانی در حال تکوین ارتقا می‌بخشد. در این چشم‌انداز، ایران نه صرفاً شریک چین، بلکه جزئی از راهبرد کلان چین در شکست هژمونی غرب و استقرار نظمی چندقطبی تلقی می‌شود. موفقیت این مسیر مستلزم ظرفیت‌سازی داخلی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و تدوین راهبرد جامع آسیامحور از سوی ایران است.

## پیشنهادهای راهبردی برای سیاست‌گذاران ایران

- تدوین و اجرای یک «راهبرد جامع آسیامحور» متناسب با سند ۲۵ساله.
- تشکیل «ستاد ملی پیگیری همکاری‌های ایران و چین» با اختیارات فرابخشی.
- توسعه دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای برای ارتقای تصویر ایران در چین.
- حفظ توازن در روابط با شرق و غرب برای بهره‌برداری هوشمندانه از فرصت‌ها.

## «شرق» گزارش می‌دهد

## اسلو در خط میانی تهران و واشنگتن



## نروژ؛ میانجیگری در سایه بحران و بی‌اعتمادی

نروژ کشوری است که نه‌تنها سابقه‌ای مثبت در تسهیل مذاکرات بین‌المللی دارد، بلکه با محکوم‌کردن حملات اسرائیل به خاک ایران، توانسته اعتماد نسبی تهران را جلب کند. این در شرایطی است که طیفی از ناظران بر این باورند که عمان، میانجی سنتی ایران و آمریکا، پس از ناکامی مذاکرات آوریل و ژوئن به دلیل تجاوزات اسرائیل، عملاً از این روند کنار گذاشته شده است. در این بین، ورود نروژ به پرونده مذاکرات هسته‌ای، هم برای تهران و هم برای واشنگتن پیامدهای متفاوتی دارد. ایران می‌تواند از روابط دوستانه و مواضع نسبتاً بی‌طرفانه اسلو بهره بگیرد تا موضوعات فراتر از پرونده هسته‌ای، به‌ویژه جبران خسارات جنگ را به دستور کار مذاکرات اضافه کند. در مقابل،

آمریکا با توجه به پیوندهای عمیق نروژ با ناتو و غرب، آن را کانالی مطمئن برای انتقال پیام‌ها و آزمودن انعطاف طرف ایرانی می‌داند.

با این حال، تجربه بحران‌های مشابه نشان داده که نقش میانجی فقط زمانی نتیجه‌بخش است که طرفین به توافقی حداقلی بر سر چارچوب و دستور کار مذاکره رسیده باشند. ثبات منطقه و آینده بگرام خواهد داشت. در مجموع، تلاش نروژ فرصتی تازه برای بازگشت دیپلماسی به صحنه بحران ایران-آمریکا فراهم کرده است، اما موفقیت آن نه به حسن نیت میانجی، بلکه به اراده سیاسی تهران و واشنگتن برای مدیریت اختلافات بنیادی‌شان بستگی دارد؛ اراده‌ای که تا امروز بیشتر در سطح اظهارات باقی مانده است تا در عمل.

## چین، آسیای مرکزی و ایران؛ به دنبال کاهش فشار اقتصادی و تقویت تجارت منطقه‌ای

## مثلث راهبردی جدید

و چین قصد دارد با توسعه مسیرهای خود، تلاش‌های هند در آسیای مرکزی را نیز خنثی کند.

کریدور ریلی نوظهور چین-ایران بخشی از استراتژی گسترده چین برای توسعه به سمت غرب است و مسیرهای چین-قزاقستان-ازبکستان-ترکمنستان-ایران-ترکیه/ اتحادیه اروپا را شامل می‌شود. چین با هدف تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری

تهران در سال‌های اخیر سیاست‌های اقتصادی و راهبردی خود را به سمت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و آسیایی تغییر داده است. این تغییر مسیر که از سوی تحلیلگران به‌عنوان «چرخش به سوی آسیا» نامیده می‌شود، فرصتی فراهم آورده تا ایران ضمن کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های غرب، تاثیر احتمالی بسته‌شدن تنگه هرمز را نیز به حداقل برساند. در این راستا، تهران مسیرهای تجاری جدیدی را از قاره آسیا به چین رونمایی کرده که همسو با اصول کلیدی سیاست خارجی کشور مبنی بر قرارگرفتن ایران در مرکز ارتباطات و تجارت اوراسیا است. براساس گزارش ایرنا، به نقل از مؤسسه معتبر –son Center، خلیج فارس به‌طور تاریخی نقشی محوری در تجارت ایران داشته است، اما تلاش‌های اخیر کشور برای توسعه مسیرهای زمینی به آسیای مرکزی، هدفی فراتر از تنوع‌بخشی به روابط تجاری و تقویت همکاری‌های اقتصادی با منطقه‌ای در حال رشد را دنبال می‌کند. این مسیرهای زمینی به‌سرعت به یکی از محورهای اصلی تجارت بین‌قاره‌ای تبدیل شده‌اند که علاوه بر ارتباط میان روسیه و افغانستان، چین و اتحادیه اروپا را نیز به هم مرتبط می‌کنند. قدرت‌های بزرگ جهانی به اهمیت منطقه آسیای مرکزی پی برده و نشست‌های متعددی را با پنج کشور این منطقه برگزار کرده‌اند تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری خود را گسترش دهند. اگرچه آسیای مرکزی پیش از این مرکز توجه سیاست خارجی ایران نبوده، اما به دلیل پتانسیل اقتصادی و ترانزیتی فزاینده آن، اکنون این روند دستخوش تغییر شده است.

ایران در این مسیر گام‌های مهمی برداشته است؛ از جمله بهبود روابط با ترکمنستان و تاجیکستان و توسعه همکاری با ازبکستان. در ژوئن سال جاری، تهران و عشق‌آباد یادداشت تفاهمی در زمینه حمل‌ونقل و لجستیک امضا کردند و در ماه می نیز توافقی برای همکاری جامع دوساله در زمینه حمل‌ونقل به ثبت رسید. همچنین، سفر رئیس‌جمهور ایران به تاجیکستان در ژانویه و امضای ۲۲ یادداشت تفاهم در حوزه‌های زیرساخت و تجارت، تحولی راهبردی در روابط دو کشور محسوب می‌شود. تاجیکستان، به‌عنوان کشوری محصور در خشکی، بنادر چابهار و بندرعباس ایران را مسیرهای کلیدی برای دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر می‌داند و در نشست‌های دو کشور، اسناد همکاری متعددی در حوزه زیرساخت و تجارت به امضا رسیده است. تمرکز ایران تنها بر آسیای مرکزی نیست و تهران توجه ویژه‌ای به توسعه ارتباطات با چین دارد. در ۱۲ می، جلسه‌ای میان مسئولان راه‌هن ایران، چین، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و ترکیه برگزار شد تا توسعه شبکه ریلی بین‌قاره‌ای بررسی شود. همچنین، در ۲۵ می، اولین قطار باری حامل پتل‌های خورشیدی از شهر شی‌آن چین به بندر خشک آیرین در ایران رسید که رسماً آغاز اتصال ریلی مستقیم میان دو کشور بود. این مسیر که از غرب چین عبور کرده و از طریق قزاقستان و ترکمنستان به ایران می‌رسد، نقش مهمی در تسهیل تجارت ایفا می‌کند. ایران از توسعه خطوط ریلی آسیای مرکزی به چین بهره می‌برد. به‌عنوان نمونه، قزاقستان در پایان سال ۲۰۲۳ خط ریلی آق‌آووز-تاشکنت را افتتاح کرد و پروژه خط ریلی چین-قرقیزستان-ازبکستان پس از سال‌ها رکود در سمت چینی پیشرفت چشمگیری یافته است. ایران همچنین به‌طور جدی بر شاخه شرقی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) تمرکز دارد که از بنادر روسیه در دریای خزر و بالتیک به خلیج فارس و هند منتهی می‌شود. شاخه شرقی این کریدور از طریق ایران به افغانستان می‌رسد؛ کشوری که اخیراً از سوی روسیه به رسمیت شناخته شده و از سال ۲۰۲۱ تحت کنترل طالبان است.

برای ایران، توسعه این مسیرهای شمالی و شمال شرقی فرصتی است تا از وابستگی به مسیرهای تجاری غربی بکاهد و تاثیر تحریم‌ها را کاهش دهد. این چرخش استراتژیک به سوی آسیا همچنین امکان می‌دهد که در صورت بسته‌شدن احتمالی تنگه هرمز، ایران بتواند اثرات آن را به حداقل برساند. اتصال ریلی مستقیم به چین، جایگزینی سریع‌تر و امن‌تر برای صادرات نفت و کالاهای دیگر فراهم کرده و زمان حمل‌ونقل را از ۴۰ تا ۳۰ روز دریایی به حدود ۱۵ روز زمینی کاهش می‌دهد. بندر خشک آیرین با اتصال ریلی و جاده‌ای به بنادر اصلی، نقش مهمی در بهبود دسترسی داخلی و صادرات دارد.

از سوی دیگر، چین نیز در پی کاهش وابستگی به گزرگاه آبی تنگه مالاکاست که اقیانوس هند را به اقیانوس آرام متصل می‌کند. اگرچه چین پیش‌تر تمرکز خود را بر مسیر اوراسیای شمالی (از طریق روسیه) قرار داده بود، اما از آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۲۲، مسیرهای میانی شامل سین‌کیانگ تا دریای سیاه را نیز مورد توجه قرار داده است. ایران به‌عنوان عضو طرح کمربند و جاده چین (BRI) از سال ۲۰۱۹ نقشی کلیدی در این کریدورهای جدید ایفا می‌کند و تلاش دارد با طرح‌های روسیه و غرب مانند INSTC و کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) رقابت کند. این کریدورها تلاش‌هایی برای اتصال هند به اروپا از طریق عربستان سعودی و اسرائیل هستند